



درس بزرگ انقلاب و قیام ۲۲ بهمن

۲۵ سال پس از سرنگونی رژیم شاه و استقرار رژیم جمهوری اسلامی، جامعه ایران، یک بار دیگر آستان انقلابی نوین است. بحران سیاسی موجود که بازتاب دهنده نیاز جامعه به تحولاتی رادیکال و انقلابی است، مدام ژرف تر می شود. مبارزات توده های زحمتکش مردم علیه نظم موجود، روز به روز دامنه و وسعت بیشتری به خود می گیرد. تلاش های هیئت حاکمه برای مهار بحران باناکامی روبرو شده است. ورشکستگی و بی اعتباری تمام سیاست ها و تاکتیک های جناح های هیئت حاکمه بر همگان آشکار شده است. بازتاب این اوضاع در درون قدرت حاکمه، خود را در تشدید تضادهای جناح های هیئت حاکمه و بحرانی ژرف در میان حکومت کنندگان، نشان داده است. وخامت وضعیت رژیم به مرحله ای رسیده است که حتا جناحی در هیئت حاکمه که زمانی در تلاش بود از طریق حک و اصلاح ناچیز روبنای سیاسی موجود، رژیم را از خطر سقوط و سرنگونی نجات دهد، دیگر آمیدی به بقای رژیم، ندارد. گروهی از آنان که خطر انقلاب قریب الوقوع را احساس کرده اند، از هم اکنون به صف اپوزیسیون بورژوازی رژیم پیوسته اند.

تمام واقعیت های سیاسی موجود حاکی است که دیگر راه نجاتی برای رژیم ستمگر جمهوری اسلامی باقی نمانده است و سرنگونی آن به امری اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. از همین رو ضروری است که در سالگرد قیام و سرنگونی رژیم شاه باردیگر بر درس بزرگی که انقلاب ۱۳۵۷ آموخت تاکید شود که سرنگونی یک رژیم سیاسی به تنهایی برای تحقق خواست های توده های مردم و پاسخگویی به نیازهای تحول اجتماعی کافی نیست. این که قدرت سیاسی سرانجام در دست کدام طبقه قرار خواهد گرفت، سرنوشت یک انقلاب را تعیین خواهد کرد.

صفحه ۲

وعده ها را متوقف کنید، دستمزدها را افزایش دهید!

حدود یک ماه قبل از تاریخ برگزاری "انتخابات" مجلس هفتم، صفدر حسینی وزیرکار رژیم، در جمع خبرنگاران چنین مطرح نمود که در "برنامه چهارم توسعه" در مورد مسائل و مشکلات کارگران، راهکار هایی پیش بینی شده و شرایط به گونه ای مهیاشده است که هر گونه تغییر در قوانین کار و تامین اجتماعی باید با اجماع نظرات سه طرف کارگر، کارفرما و دولت صورت گیرد. نامبرده هم چنین از "حق پیگیری حقوق صنفی و مدنی" کارگران، افزایش اعتبار به منظور پرداخت حقوق کارگرانی که دستمزد های موعده دارند و کارفرما قدری پرداخت آن نیست، افزایش اعتبار به منظور کمک به "تهاد های مدنی کار"، بودجه کمکی برای آموزش فرزندان کارگران، افزایش اعتبار جهت نگهداری و توسعه اماکن ورزشی کارگران، بن های کارگری و غیره و غیره سخن گفت. آقای وزیر، افزون بر این وعده ها، تناسب حداقل دستمزد کارگران با حداقل معاش را از مواد قانون برنامه چهارم توسعه بر شمرد و خلاصه این طور القاء کرد که اگر این

برنامه به تصویب مجلس برسد، مشکلات کارگران هم برطرف خواهد شد. وزیر کار رژیم بدین ترتیب کوشش نمود، ضرورت فوری افزایش دستمزدهای کارگری را کم رنگ سازد، توجه کارگران را به سمت دیگری منحرف و افزایش دستمزدها را به آینده ای نامعلوم موکول سازد. سران شوراهای اسلامی کار و خانه کارگری ها نیز بحث افزایش دستمزدها را به بعد از "انتخابات" مجلس موکول نمودند و در زد و بند با سایر مرتجعین در یک هماهنگی حساب شده ای، کارگران را به شرکت در "انتخابات" ترغیب کردند. در آخرین روز های بهمن ماه، صادقی رئیس شوراهای اسلامی، از گردهم آمدن "گروه های درگیر در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشت" و تشکیل "ائتلاف ملی کار و تولید ایران" خبر داد و از کارگران خواسته شد که به خانم دکتر نبیره اعظم خوش خلق، کاندیدای این ائتلاف رای دهند تا در مجلس یک فراکسیون قوی کارگری تشکیل گردد و

صفحه ۳

بزرگداشت سی و سومین سالگرد حماسه سیاهکل

به مناسبت سی و سومین سالگرد حماسه سیاهکل، روزبنیان گذاری سازمان، مراسم بزرگداشتی در کشورهای هلند و سوئد برگزار گردید. گزارش کوتاهی را در این زمینه ملاحظه می کنید.

صفحه ۶

معضلات معیشتی و سیاسی طبقه کارگر عراق

جنگی که امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در عراق برافروختند، فجایع بی شماری به بار آورده است. این جنگ جز ویرانی، کشتار، فقر و اسارت چیزی عاید مردم عراق نکرده است. به رغم گذشت حدود یک سال از آغاز جنگ و اشغال نظامی عراق، نه تنها هیچ بهبودی در وضعیت

توده های مردم صورت نگرفته، بلکه اوضاع دایما وخیم تر شده است. در این میان شرایط مادی و معیشتی طبقه کارگر در عراق به میزان بی سابقه ای رو به وخامت گذارده است و سیاست های اقتصادی دولت آمریکا در عراق، فشار روزافزونی را به طبقه کارگر تحمیل نموده است. محافل جنگ طلب هیئت حاکمه آمریکا در سایه قدرت ماشین نظامی خود، سیاست خصوصی سازی تمام اقتصاد دولتی عراق را در دستور کار خود گذاشته اند. برگزاری سمپوزیوم "بازسازی عراق در ۲۰۰۴" در کویت با شرکت نمایندگان بزرگترین شرکت های امپریالیستی برای تقسیم غنائم این

صفحه ۵

در این شماره

خلاصه ای از اطلاعیه ها

- ۵ و بیانیه های سازمان
- ۲ اخباری از ایران
- ۴ شعری از رفیق سعید سلطانپور

مبارزه طبقاتی و

رهائی زن (۳۶)

صفحه ۸

درس بزرگ انقلاب و قیام ۲۲ بهمن

همه، این واقعیت رامی‌دانند که رژیم‌شاه با یک انقلاب توده‌ای و قیام مسلحانه سرنگون شد، اما از آن‌جا که طبقه کارگر ایران نتوانست قدرت سیاسی را به چنگ آورد، طبقه سرمایه‌دار به همراه دستگاه روحانیت با حفظ قدرت سیاسی، یک رژیم ارتجاعی دیگر را بر ایران حاکم ساختند و انقلاب توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران با شکست روبرو گردید.

اکنون نیز خطر به جای خود باقی‌ست. با قریب‌الوقوع‌تر شدن سرنگونی رژیم و روی آوردن توده‌های مردم به انقلاب، سرمایه‌داران و تمام‌مرتجعین به تکاپو افتاده‌اند تا به هر طریق ممکن مانع از آن گردند که طبقه کارگر ایران و توده‌های زحمتکش قدرت سیاسی را به دست آورند و انقلاب آتی را به فرجام پیروزمندش برسانند. اینان با توجه به تجربیاتی که توده مردم از شکست انقلاب در گذشته آموخته‌اند، به شیوه‌های ظریف‌تر و پیچیده‌تری برای پیشبرد سیاستهای ضدانقلابی و ارتجاعی خود روی آورده‌اند.

از هم اکنون دهها گروه و سازمان وابسته به سرمایه‌داران و تمام‌مرتجعین، با پشتوانه تبلیغات قدرت‌های جهانی دست به کار شده‌اند. اینان که در گروه‌های سلطنت‌طلب و جمهوری‌خواه متشکل شده‌اند، خود را مدافع آزادی و دموکراسی معرفی می‌کنند و نظیر خمینی برای فریب مردم وعده‌های سرخرمن می‌دهند. فریبکاری آنها از همین واقعیت می‌باید برهمگان روشن شده باشد که آنها تا همین چندی پیش که کوس رسوایی "اصلاح طلبان" حکومتی بر سر هر کوی و برزن به صدا در نیامده بود، با پشتیبانی مستقیم و غیر مستقیم از یک جناح حکومت اسلامی، وعده اصلاح رژیم از درون و استحاله آن را از یک رژیم ضد دموکراتیک به رژیمی دموکراتیک می‌دادند. هنگامی که این واقعیت برهمگان روشن شد که هیچ‌امکانی برای بهبود اوضاع با بقای جمهوری اسلامی وجود ندارد و هدف گروه‌های موسوم به اصلاح طلب، چیزی جز نجات رژیم از سقوط و فروپاشی نبوده است، به تاکتیک‌ها و شعارهای دیگری روی آورده‌اند، تا چنان چه بتوانند توده مردم را از تعرض انقلابی برای سرنگونی بازدارند. لذا مدتی‌ست که شعار فرماندوم را علم کرده‌اند و از رژیم ارتجاعی و سرکوبگر حاکم می‌خواهند که از طریق فرماندوم به خواست توده مردم گردن نهد. این تاکتیک نیز البته از هم اکنون با شکست روبرو شده است. چرا که توده مردم ایران به خوبی ماهیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را می‌شناسند

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران شرکت الکتریک

کارگران شرکت الکتریک رشت، بار دیگر دست به اعتراض زدند. این کارگران برای احقاق حقوق خود در محل اداره کل کار و امور اجتماعی استان گیلان دست به تجمع زده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

* اعتصاب کارگران ایران کف

بیش از یک صد نفر از کارگران شرکت ایران کف گیلان، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، دست از کار کشیدند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. از آنجا که مسئولین نسبت به خواست کارگران بی‌توجهی کردند، اعتراض کنندگان در ادامه اعتصاب خود، جاده اصلی رشت را مسدود ساختند. قابل ذکر است که بیش از یازده ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. در عین حال در این کارخانه که زمانی ۷۰۰ کارگر داشت، هم اکنون حدود ۱۰۰ کارگر به کار مشغولند.

* اعتراض کارگران و تجمع اعتراضی کشاورزان

نزدیک به ۱۳۰ نفر از کشاورزان و چغندرکاران دزفول، شوش و اندیشک، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود از سال ۷۹ به بعد، در برابر دفتر مرکزی کارخانه قند دزفول دست به تجمع زدند. در عین حال بیش از ۶ ماه است که حقوق کارگران این کارخانه پرداخت نشده است و کارگران نیز خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود می‌باشند. اجتماع کنندگان هشدار دادند چنانچه به مشکلات آنان رسیدگی نشود، به تجمعات اعتراضی در خیابان ادامه خواهند داد.

* اجتماع اعتراضی کارگران شهرداری

بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران شهرداری تهران، در اعتراض به اخراج و بازخریدهای اجباری و به منظور احقاق حقوق خویش، بار دیگر در برابر ساختمان مرکزی شهر - داری تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. این عده از کارگران که در زمره ۱۷ هزار کارگران شهرداری‌های تهران‌اند که از سال ۷۴ به بعد اجباراً بازخرید و اخراج شده‌اند، خواستار پرداخت حقوق

و می‌دانند که این رژیم نه فقط به شکلی مسالمت آمیز کنار نخواهد رفت، بلکه تا آخرین لحظات حیات ننگین اش، تلاش خواهد کرد با سرکوب و اختناق موجودیت خود دفاع کند. این تاکتیک گروه‌ها و سازمان‌های وابسته به سرمایه‌داران و ثروتمندان نیز ماهیت قلابی آزادی‌خواهی آنها را برملا می‌کند. معهذ اینان دست بردار نیستند و تحت شرایط دیگر با شعارها و تاکتیک‌های جدیدی به میدان می‌آیند. چندان طول نخواهد کشید که جنبش توده‌های کارگر و زحمتکش به مرحله‌ای عالی‌تر ارتقاء یابد و قیام در دستور کار قرار گیرد. در آن مرحله، شعار فرماندوم بورژوازی جای خود را به مجلس موسسان بورژوازی خواهد داد. در همه حال هدف آنها این است که قدرت سیاسی در دست توده‌های کارگر و زحمتکش قرار نگیرد تا بتوانند مطالباتشان را به دست خویش عملی سازند. در همین جاست که سرنوشته یک انقلاب تعیین خواهد شد و این تجربه - ای ست که توده‌های کارگر و زحمتکش، یک بار در جریان انقلابی که به سرنگونی رژیم شاه انجامید، از سر گذرانده‌اند و دیگر به سادگی تکرار نخواهد شد.

توده‌های کارگر و زحمت‌کش، زنان و جوانانی که بار اصلی انقلاب آتی را بر دوش دارند و تا همین لحظه نیز یگانه نیروی جدی درگیر با رژیم ارتجاعی حاکم - اند، می‌باید تجربیات گذشته خود را به خدمت گیرند و با درس آموزی از انقلاب گذشته، تلاش سرمایه‌داران و تمام‌مرتجعین را خنثا سازند. این نیز میسر نخواهد بود، مگر آن که توده‌های کارگر و زحمتکشی که به انقلاب روی می‌آورند، ابتکار عمل را از دست ندهند، به وعده و وعیدها اعتماد نکنند، بلکه از طریق ارگان‌های توده‌ای به اعمال حاکمیت بپردازند و قدرت سیاسی را از آن خود سازند. تجربه دوران قیام و سرنگونی رژیم شاه به توده‌های کارگر و زحمتکش نشان داد که شوراها، آن ارگان‌های توده‌ای مختص کارگران و زحمتکشان هستند که از طریق آنها می‌توانند ابتکار عمل را در دست داشته باشند و از طریق آنها به اعمال حاکمیت بپردازند. پس بی‌دلیل نبود که جمهوری اسلامی به محض استقرار، تلاش نمود شورا‌هایی را که توده‌های کارگر و زحمتکش در جریان انقلاب ایجاد کرده بودند، در هم بکوبد و یا از درون متلاشی‌شان سازد و تشکل‌های اسلامی و ارتجاعی را جایگزین آنها سازد. امروز هم تمام کسانی که پاسدار نظام سرمایه‌داری موجودند، تمام کسانی که با آزادی و دموکراسی همه جانبه و پیگیر مخالف‌اند، با نظام شورایی دشمنی دارند و از هم‌اکنون تلاش می‌کنند

اخباری از ایران

-های خویش و بازگشت به کارند.

* تجمع اعتراضی کارکنان بیمارستان

بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران و کارکنان بیمارستان بهشتی، در ادامه مبارزات خویش، باردیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر دادگستری قم در چند روز متوالی، خواستار پرداخت مطالبات عقب افتاده و پرداخت سنوات خود شدند.

* زور گویی و اخراج

به گزارش ایلنا، شرکت "فیروز الکترونیک نیشابور" ۴۹ تن از کارگران قدیمی را اخراج و ۳۰ کارگر جدید را به صورت قراردادهای موقت استخدام نمود. کار-فرمای این شرکت، حقوق کارگران را به صورت علی الحساب تا سقف ۳۰ هزار تومان در ماه می پردازد و کارگران که اجبارا قراردادهای سفید را امضا نموده و به کارفرما ارائه داده اند، همین که لب به شکایت بگشایند و دست به اعتراض بزنند، کارفرما با سوء استفاده از همین قراردادهای و بدون آن که حق و حقوق کارگران را بپردازد، دست به اخراج آنان می زند.

* تظاهرات مردم مریوان

در اعتراض به تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای رژیم در شهر مریوان، مردم این شهر از روز جمعه ۲۴ بهمن دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند که این اعتراضات روز شنبه ۲۵ بهمن نیز ادامه یافت.

در این اقدام اعتراضی، مردم زحمتکش مریوان در مسیر راه پیمایی و تظاهرات، پوستر کاندیداهای رژیم را کردند و با سردادن شعارهایی علیه رژیم، ستادهای تبلیغاتی عمال رژیم را از سطح شهر برچیدند.

* نامه اعتراضی

شماری از کارگران نساجی پارس ایران رشت، در یک نامه اعتراضی به مسئولین استان گیلان، خواهان پایان بلاتکلیفی و پرداخت مطالبات خود شدند.

* تجمع اعتراضی چایکاران

۵۰۰ تن از چایکاران لاهیجان، در اعتراض به عدم پرداخت بهای برگ سبز چای از طرف کارخانه داران، در برابر فرمانداری این شهر و اداره کل چای لاهیجان دست

وعده ها را متوقف کنید، دستمزدها را افزایش دهید!

درصد؛ چون هم دولت و هم کارفرمای بزرگ هستیم!" (ایلنا-۲۸/دی/۸۲)

با این همه، همین ها امروز مذبحخانه تلاش دارند، کارگران را به معجزات مجلس امیدوار سازند و چپ و راست آنها را به شرکت در انتخابات دعوت می کنند. آن هم زمانی که ماهیت ضد کارگری این مجلس ومصوبات ضد کارگری آن، برای همه کارگران بر ملا شده است، نه امروز که قرار است، محدودیت هایی برای ورود برخی از "اصلاح طلبان" به مجلس ایجاد شود و اکثریت کرسی های آن در اختیار جناح خامنه ای باشد، بلکه درست در مقطعی که این آقایان اصلاح طلبان اکثریت مجلس را در دست داشتند. به هر رو اگر با وجود محبوب، جلودار زاده، سرحدی زاده و گله ای از دوی خردادی های دیگر امثال این ها در مجلس ارتجاع، اتفاقی به نفع کارگران نیفتاد و مجلس ارتجاع، جز به زیان کارگران تصمیمی نگرفت، اکنون با تضعیف این جناح ولو با افزوده شدن افراد دیگری امثال خانم دکتر نیره خوش خلق نیز، اتفاق خاصی به نفع کارگران نخواهد افتاد. تجربه ۲۵ سال حکومت اسلامی این حقیقت را ثابت کرده است که تامادامی که این رژیم ارتجاعی بر سر کار است، وضعیت کارگران اعم از وضعیت معیشتی و حقوقی، بهبود اساسی نخواهد یافت. دولت، مجلس و همه ارگان ها و نهادهای دولتی، در خدمت سرمایه داران و علیه کارگران اند. برای بهبود شرایط و انجام تغییرات اساسی، کارگران راهی ندارند جز آن که این رژیم را براندازند و حکومت خود را مستقر سازند. معذرا امروز که مسئله افزایش دستمزدها به یک مسئله مبرم و حیاتی تبدیل شده است کارگران را نمی توان با وعده های پوچ و سرخرمن دست به سرکرد. دستمزدهای کارگری بسیار پائین است و خانوارهای کارگری با این دستمزدها برای ادامه حیات خود با هزار و یک کمبود و مشکل مواجه اند. دستمزدهای کارگری بدون فوت وقت باید اضافه شود. روزنامه "اعتماد"، مورخ ۲۸ بهمن از قول معاون اجتماعی بهزیستی می نویسد، در شرایط کنونی خانوارهای با درآمد ۲۵۰ هزار تومان در ماه، در مرز خط فقر قرار دارند. بنابراین دستمزدهای کارگری اگر بخواهد کمی بیش از مرز خط فقر باشد، باید ۴۰۰ درصد اضافه شود و یا لااقل به ۳۰۰ هزار تومان در ماه برسد. کارگران از در باغ سبز نشان دادن واز وعده و وعید خسته شده اند و به آن باور ندارند. وعده ها را متوقف کنید، دستمزدها را افزایش دهید!

از این طریق خواسته های کارگران متحقق شود!

این که به طور مشخص در "برنامه چهارم توسعه" رژیم، چه راه کارهای معینی برای حل مشکلات و معضلات کارگری پیش بینی شده است، باید منتظر ماند تا این برنامه لااقل انتشار یابد و در معرض دید کارگران قرار گیرد. گرچه از حالا نمی توان در مورد این برنامه به طور دقیق اظهار نظر نمود و همه زوایای آن را شکافت، اما این مسئله از هم اکنون روشن است که برنامه چهارم رژیم برای "توسعه"، چیزی جدا از برنامه قبلی آن و پیشبرد سیاست انحصارات مالی بین المللی به اضافه شرکای داخلی آنها نخواهد بود که یکی از جنبه ها و عواقب آن، خصوصی سازی و بیکار سازی وسیع کارگران، تشدید استثمار و پایمال نمودن ابتدایی-ترین حقوق کارگران بوده است.

گفته شده است هرگونه تغییر در عرصه قوانین کار و تامین اجتماعی بر مبنای اصل سه جانبه گرایی و با اجماع نظرات سه طرف کارگر، کارفرما و دولت صورت می گیرد. صرف نظر از این که کارگر در این رابطه سه جانبه، کیست و نماینده چه کسی است- و البته که تاکنون افراد وابسته به خود رژیم، عنوان نماینده کارگران را با خود یدک می کشیده اند- هرکس این را می داند که در جوامع سرمایه داری، به ویژه در جمهوری اسلامی، دولت و کارفرما را مطلقا نمی توان از هم جدا کرد. نه فقط از این جنبه که دولت اساسا پاسدار منافع سرمایه داران و کارفرمایان است، بلکه همچنین از این بابت که در ایران دولت خودش یک سرمایه دار و کارفرمای بزرگ است و تا کنون نیز بنا به همین موقعیت و ماهیت، نه فقط علی-العموم مانند همه کارفرمایان و سرمایه داران علیه کارگران بوده است، بلکه در زمینه پایمال کردن حقوق کارگران هیچ چیز از کارفرمایان کوچک تر کم نداشته است. بنابراین در این به اصطلاح رابطه سه جانبه، خیلی روشن است که سرمایه داران حرف اول را می زنند و در آن، دست بالا هم با دولت است. این که ماحصل رابطه سه جانبه، صد درصد به نفع سرمایه داران و کارفرمایان و به زیان کارگران رقم خواهد خورد و این رابطه، در واقعیت امر، یک رابطه یک جانبه بیش نیست، کارگران هیچ گونه تردید و توهمی ندارند. آش آنقدر شور شده است که حتا صدای خانه کارگری ها و گردانندگان شوراهای اسلامی کار نیز درآمده است. صادقی رئیس کانون شوراهای اسلامی در مورد میزان افزایش دستمزدها در سال گذشته و نقش دولت به عنوان کارفرما می گوید "سال گذشته با کارفرمایان بر سر افزایش ۲۷ درصدی دستمزد توافق کردیم، اما دولت اعلام کرد که من می گویم ۲۲

☆ رودخانه پویان ☆

خون گوزن، جنگل پویان دیگری ست

بعد از صدای پویان

بعد از حریق سوخته خون شعله ور

بعد از حریق توفان

بعد از صدای جنگل

ایران

دیگر

مانند رودخانه خونینی ست

برصخره‌های سختی می‌راند

از قله‌های رنج فرومی‌ریزد

در دره‌های دل‌تنگی می‌خواند

و زخم تابناک شهیدان را

با کاکلی شکافته و خونریز

برسنگ و صخره کویان

در خانه‌های گلگون

می‌گرداند

* * *

همپای رودخانه سوزان

باید

مثل حریق توفان

برفرق کوه ودشت برانم

زخم برادران شهیدم را

باید

مثل ستاره‌هایی خون افشان

روی فلات سوگوار بگردانم

باید بغرم از جگر و

چون شیر

با یال‌های خونین

دریسه‌های خشم بمانم

* * *

رگبار آتش، افروخت

و استخوان و خون

در خانه و خیابان

آتش گرفت

سوخت

قلب گوزن‌های جوان

- قلب انفجار -

در چشمه‌های آتش و خون

خفت

بادی هراسناک برآمد

قلب هزارچشمه خونین

در جنگل سیاهکل

آشفت

جنگل شکافت

و پانزده ستاره خونین

با نعره‌های سوزان برخاست از نهفت

و برمدارهای گریزان چرخید

چرخید روی جنگل و

توفید روی شهر

برفرق شب شکفت

* * *

با کاکلی شکافته

می‌راند

برسنگ و صخره

رود

و نعره‌های من

پیچیده روی قله خونالود:

* * *

گل‌های حزب سوخته دلشکستگان

مردان خشم و خوف

خونشعله‌های پیکر در خون نشستگان

وحشت فرونهد و فراز آید

از قله‌های قرمز شبگیر بنگرید

از قله‌های قرمز شبگیر بنگرید

با شاخ‌های خنجر

با چشم‌های خشم

روئیده برکرانه خون

جنگل گوزن

(سعید سلطانیپور)

معضلات معیشتی و سیاسی طبقه کارگر عراق

خلاصه ای از اطلاعاتها

و بیانیه‌های سازمان

در تاریخ ۲۹ بهمن، اطلاعیه‌ای پیرامون وقوع انفجار در ۵۱ واگن قطار در ایستگاه راه آهن در نیشابور، تحت عنوان «مسئول مستقیم این فاجعه هم، جمهوری اسلامی است!»، منتشر شد.

در این اطلاعیه ضمن انعکاس خبر مربوط به آتش سوزی وانفجار شدید که به کشته شدن ۲۰۰ تن و مجروح شدن ۲۵۰ نفر منجر شده است، از رژیم جمهوری اسلامی به عنوان مسئول این فاجعه نامبرده شده است. در اطلاعیه آمده است:

« فاجعه قطار باری و خسارات جانی و مالی ناشی از آن ، مانند دهها حادثه دلخراش دیگر، برای چندمین بار نشان داد که جمهوری اسلامی و سران آن، هیچگاه برای جان و زندگی مردم ارزش و اهمیت قائل نیستند. . . مسئولیت این فاجعه و حمل و نقل مقادیر زیادی مواد آتش‌زا، از جمله بنزین، گوگرد و مازوت توسط واگن‌های خارج از رده و اسقاطی، خارج از روش‌ها و نرم‌ای استاندارد، آنهم بدون رعایت مسائل ایمنی و پیش‌بینی‌های لازم، تماما برگردن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و سران آن می‌باشد.»

در پایان اطلاعیه ضمن تسلیت و ابراز همدردی با بازماندگان این فاجعه، مردم زحمتکش ایران به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی فراخوانده شده‌اند.

* متن کامل اطلاعیه‌های سازمان را در سایت سازمان بخوانید.

همبستگی بین المللی با کارگران مبارز عراق در حال گسترش است. اتحادیه کارگران عرب و یکرشته از اتحادیه‌های کارگری در اروپا و آمریکا در تلاشند تا مبارزات مستمر کارگران در عراق را به گوش مردم جهان برسانند. اما این تنها سربازان ارتش مهاجم امپریالیست‌ها نیستند که کارگران را مورد سرکوب و فشار قرار می‌دهند، مرتجعین اسلامی نیز دست به تهدید و آزار فعالین کارگری در این کشور زده و در تلاشند که صدای این غول خفته را در گلو خفه کنند. در این میان کارگران هم بیکار ننشسته و با تشکیل گاردهای مسلح، از جان خود و رفقای خود دفاع می‌کنند. مبارزه با تمام حدت در عراق ادامه دارد و بدون شک کارگران می‌توانند با تجدید سازمانیابی خود و در نهایت تشکیل حزب انقلابی کمونیست، نقش تاریخی خود را در تحولات آتی این کشور ایفاء نمایند.

به سرمایه داران غربی شد و هنوز هیچ خبری از پرداخت حق بیمه بیکاری به میلیون‌ها کارگر بیکار و گرسنه نیست. در تاریخ ۱۹ سپتامبر هم حاکم آمریکایی عراق اعلام نمود که سرمایه داران غربی می‌توانند ۱۰۰ درصد صنایع دولتی را خریداری کرده و به همین ترتیب هم می‌توان ۱۰۰ درصد سود حاصل از غارت دسترنج کارگران را از کشور خارج ساخت. وضعیت فلاکت بار اقتصادی و واگذاری بخشی از صنایع نفت و عملیات بندرتجاری ام‌القصر موجب شد که کارگران عراق طعم تلخ اخراج‌های وسیع را تجربه کنند. تنها در دو پالایشگاه نفت بیش از ۱۵۰۰ کارگر کار خود را از دست داده و به صف بیکاران پیوسته‌اند. کارگران در کارخانه‌های اطراف شهر بصره، چندین بار دست به اعتصاب زده و خواهان توقف خصوصی سازی ها و امنیت شغلی خود شده‌اند.

فشار و تضییقات سربازان ائتلاف امپریالیست‌ها از دیگر مشکلات طبقه کارگر عراق است. رژیم سرنگون شده بعث عراق در ادامه سرکوب همه جانبه جنبش طبقه کارگر این کشور در سال ۱۹۸۷ طی یک بخشنامه دولتی مبارزه طبقاتی در این کشور را خاتمه یافته اعلام نمود و به این ترتیب هرگونه تشکل و سازمانیابی مستقل کارگران را ممنوع اعلام نمود. این قانون سیاه اکنون توسط شورای حکومتی عراق به رسمیت شناخته شده و علیه مبارزات کارگران به کارگرفته می‌شود. اما ارتش امپریالیست‌ها و عوامل داخلی آنها برای درهم شکستن مقاومت کارگران تنها به این قانون اکتفا نکرده و سیاست تعقیب و آزار و اذیت فعالین کارگری را نیز در دستور کار قرار داده‌اند. در همین راستا و با تشدید مبارزات کارگران، دهها سرباز مسلح در روزهای آغازین ماه نوامبر سال گذشته به دفتر مرکزی اتحادیه بیکاران حمله برده و چند تن از رهبران این اتحادیه را به بهانه سازماندهی اعتراضات و اعتصابات غیر قانونی کارگران دستگیر و روانه زندان نمودند. هنوز مدت زیادی از دستگیری رهبران بیکاران نگذشته بود که این بار دفتر محقر و نیمه ویران فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری عراق شاهد حمله سربازان ارتش آمریکا و دستگیری رهبران این اتحادیه بود. در همین حال

جنگ، خود گویای این واقعیت است. اولین گام در راستای گسترش خصوصی سازی‌ها در عراق واگذاری تعمیرات، راه اندازی و نگهداری تاسیسات بندرتجاری ام‌القصر در جنوب عراق بود که در نخستین روزهای آغاز حمله نظامی به عراق و درهم شکستن مقاومت ارتش این کشور در منطقه جنوب، انجام گرفت. و از همان لحظه هم اخراج کارگران آغاز شد و کارگران به وضوح به اهداف "دمکراسی طلبانه" و "رهایی بخش" این هجوم نظامی پی بردند.

خصوصی سازی صنایع عظیم دولتی عراق، مقاومت کارگران رابه دنبال داشت و درهم شکستن این مقاومت هم تنها با اعمال قوانین ضد اتحادیه ای رژیم سابق عراق امکان پذیر است. در مقابل این تشبثات، تلاش‌های فعالین کارگری که از همان آغاز جنگ شروع شد، در اوایل ماه ژوئیه سال گذشته به ثمر نشست و کنگره موسس فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری عراق با حضور ۴۰۰ نماینده در شهر بغداد برگزار گردید و بلافاصله اعلام نمود که اتحادیه‌ها و شوراهای کارگری را در ۱۲ رشته مختلف صنعتی سازمان خواهد داد. اما مشکلات سازمان‌یابی کارگران به همین جا ختم نمی‌شود. سیاست‌های جنگ طلبانه دیکتاتور سابق عراق که به تحمیل ۲ جنگ ویرانگر به مردم ستمدیده این کشور انجامید، بیش از ۱۲ سال تحریم اقتصادی و سر-انجام لشکر کشی ارتش‌های مهاجم امپریالیست‌ها، چارچوب اقتصادی این کشور را به کلی ویران ساخته تاجایی که بیکاری در میان کارگران را به بیش از ۷۰ درصد رسانده است. به همین دلیل سازمانیابی بیکاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در همین زمینه نیز به همت فدراسیون اتحادیه‌های کارگری عراق، اتحادیه بیکاران در تابستان سال گذشته تشکیل شد. در حال حاضر فقر و فلاکت در این کشور به مقیاس بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است.

و میلیون‌ها نفر بدون حداقل حمایت دولت باگرسنگی، بیکاری و بی‌خانمانی دست به گریبانند. هر چند کنگره آمریکا اخیرا مبلغ ۸۷ میلیون دلار را به "باز سازی" عراق اختصاص داد، اما این مبلغ هم تنها صرف نگهداری ماشین جنگی این کشور در خاک عراق و سر و سامان دادن به صنایع قابل فروش این کشور

بزرگداشت سی و سومین سالگرد حماسه سیاهکل

هلند - سی و سومین سالگرد بنیان‌گذاری سازمان، روز ۷ فوریه در هلند برگزار شد. مراسم با یاد و خاطره جان باختگان فدایی، بنیان‌گذاران سازمان و هزاران کمونیست آغاز شد. شرکت کنندگان در مراسم به پا خاستند و با یک دقیقه کف زدن، یاد آنان را گرمی داشتند. ابتداء سخنرانی رفیق فریدآروین از فعالین سازمان پیرامون تاریخچه سیاهکل و مروری بر اوضاع سیاسی، ایراد شد. برنامه با اجرای قطعاتی با پیانو توسط هنرمند روسی ناتالی مخلص ادامه یافت. پس از آن رفیق مصطفی گرگین پور از فعالین سازمان عضو کارگاه هنر ایران و رفیق جعفر امیری به اجرای ترانه سرودهای انقلابی پرداختند.

در بخش دوم برنامه، شاعر و نویسنده انقلابی، رفیق عباس سماکار ضمن اشاره کوتاهی به سیاهکل و بیان آن، به شعر خوانی پرداخت. سپس رفیق احمد محمدی از فعالین کارگری واز هواداران سازمان به اجرای قطعاتی با تار پرداخت. برنامه هنری با اجرای موسیقی قشقای و قطعاتی با پیانو ادامه یافت.

جشن سی و سومین سالگرد بنیان‌گذاری سازمان با رقص و پایکوبی و اجرای دستجمعی سرود انترناسیونال به پایان رسید.

سوئد - روز شنبه ۷ فوریه به مناسبت سی و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل مراسمی در استکهلم برگزار گردید که در آن بیش از ۲۰۰ نفر شرکت کردند.

برنامه جشن سیاهکل، با یک دقیقه کف زدن به یاد و خاطره جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز گردید. به دنبال آن پیام مشترک نیروهای برگزار کننده قرائت شد.

در ادامه برنامه، رفیق پولاد از چریکهای فدائی‌خلق در رابطه با بررسی شعارهای جمهوری در پرتو رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن به سخنرانی پرداخت و در این مورد

پرسش و پاسخ‌هایی نیز صورت گرفت. همچنین نمایش اسلاید که تاریخچه سیاهکل و جنبش فدایی را بازگو می‌کرد به روایت تصویر و سعید سلطانی‌پور به اجرا گذاشته شد. شرکت کنندگان در این مراسم در عین حال یاد تمامی جان باختگان و به خاک سپرده‌شدگان زلزله بم را گرمی داشتند.

ترانه سرودهای انقلابی و فولکلوریک که شوری دیگر را در برداشت در قسمت‌های مختلف برنامه توسط رویا و "ن" گیلانی به اجرا درآمد.

پایان بخش برنامه، اجرای دستجمعی سرود انترناسیونال بود. دست اندرکاران برنامه از همه شرکت کنندگان که در سی و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل پرشور حضور داشتند، سپاس‌گزاری نمود و با امید به فرارسیدن آزادی و سوسیالیسم مراسم پایان گرفت.

به این مراسم که مشترکا توسط:

- سازمان فدائیان (اقلیت)

- سازمان هواداران چریک‌های فدایی

خلق ایران - سوئد

- سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی - سوئد برگزار شد.

- کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران

- اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و

چپ - واحد سوئد

- کانون زندانیان سیاسی ایران در

تبعید - واحد سوئد

- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

پیام‌هایی ارسال نمودند.

کمک مالی رسیده

انگلستان بهرنگ ۱۸ ۲۰۰ یورو

ازصفحه ۲ اخباری از ایران

به تجمع اعتراضی زدند. شایان ذکر است که کارخانه داران در حالی که حدود ۲۲۰ هزار تن برگ سبز چای را از کشاورزان خریداری کرده‌اند، اما فقط بهاء ۴۰ درصد آن را پرداخته‌اند و به بهانه عدم تکافوی تسهیلات بانکی، ۶۰ درصد آن را به کشاورزان نپرداخته‌اند.

* اعتراض دانشجویان مبارز

اتحادیه دانشجویان مبارز در مشهد، با انتشار اطلاعیه‌ای مورخ ۲۸ بهمن ۸۲، ضمن محکوم نمودن بازداشت دو تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به نام‌های "مجید مزروعی" و "حسین مطلوبی" که از آنان به عنوان هم‌زمان یاد شده است، از نیروهای انقلابی و رادیکال‌خواسته‌اند که از این دانشجویان حمایت کنند. در اطلاعیه دانشجویان مبارز آمده است، هرگونه اتفاقی برای این دانشجویان بازداشت شده که تحویل دادگستری شده‌اند، بیافند و یا چنانچه با اخراج از دانشگاه و زندان مواجه گردند، مسئولیت آن با رئیس فاشیست اصلاح طلب دانشگاه فردوسی است.

* یک نمونه تبعیض جنسی

- معاون دفتر امور زنان و خانواده بهزیستی می‌گوید، به رغم این که ۶۰٪ دانشجویان دانشگاهها را دختران تشکیل می‌دهند، فقط ۱۳ تا ۱۵ درصد آنها پس از فارغ‌التحصیلی جذب بازار کار می‌شوند و نرخ بیکاری دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهها بالای ۵۰ درصد است.

* چند خبر کوتاه

- خبرگزاری کار ایران (ایلنا) از قول دبیر اجرایی خانه کارگر استان همدان اعلام کرد، ۷۵ درصد کارگران این استان قراردادی هستند که این موضوع عمده‌ترین مشکل کارگران را تشکیل می‌دهد.

- قرار است ۳۵ درصد سهام کارخانه لوله سازی خوزستان به بخش خصوصی عربستان واگذار شود. (ایلنا)

- مدیریت کارخانه چیت ری اعلام کرد، این واحد توان ادامه فعالیت ندارد و راهی جز تعطیل آن باقی نمانده است. کارگران با تعطیلی کارخانه مخالف و خواهان کار و ادامه کاری کارخانه‌اند.

- مدیر کل تامین اجتماعی تهران گفت: با تصویب ماده ۹۴ نظام صنعتی بیش از ۱/۵ میلیون نفر از کارگران شاغل در واحدهای صنعتی کوچک، از پوشش تامین اجتماعی محروم شده‌اند.

گرامی باد ۱۹ بهمن،

روز بنیان‌گذاری سازمان

مبارزه طبقاتی و رهایی زن (۳۵)

درس بزرگ انقلاب و قیام ۲۲ بهمن

که کار به جایی نکشد که توده مردم به انقلاب برخیزند و از دل این انقلاب یک دولت شورایی و قدرت کارگری سربرآورد. اما اگر قرار است توده های مردم ایران از شر تمام مصائب اجتماعی و سیاسی که نظم اقتصادی- اجتماعی و سیاسی موجود به بار آورده است، خلاص شوند، اگر قرار است مطالباتشان را متحقق سازند، راهی جز انقلاب نیست و در جریان این انقلاب و تحول و ارتقاء اشکال مبارزه است که شوراها بار دیگر پدید خواهند آمد. تجربه گذشته نشان داد که در بالاترین مرحله از رشد و ارتقاء جنبش توده ای که کارگران و زحمتکشان به اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه روی می آورند، کمیته های اعتصاب و وظایف نوینی را برعهده می گیرند و به شوراها به عنوان ارگان های قیام و اعمال حاکمیت توده ای ارتقاء می یابند. نقش این شوراها، پایداری آنها و درجه مقاومت آنها، بستگی تام و تمام به این مسئله دارد که تا چه حد دستگاه دولتی موجود با تمام ارگان ها و نهادهای نظامی و بوروکراتیک آن که در خدمت اعمال حاکمیت طبقه سرمایه دار قرار دارد، تخریب و در هم شکسته شده اند.

شوراها زمانی می توانند به ارگانهای واقعی اعمال حاکمیت توده های کارگر و زحمتکش تبدیل شوند که تمام دستگاه دولتی موجود درهم کوبیده شود. طبقه کارگر نمی تواند از طریق دستگاه دولتی موجود که ابزار اعمال حاکمیت طبقه سرمایه دار است، اعمال حاکمیت کند، بلکه به یک دستگاه دولتی مختص خود نیاز دارد که این دستگاه دولتی در ایران، یک دولت شورایی ست. با وجود چنین دولتی ست که وسیع ترین، کامل ترین و پیگیرترین دمکراسی می تواند برقرار گردد. مطالبات توده های وسیع مردم متحقق گردد و شالوده های نظم اقتصادی- اجتماعی موجود دگرگون شود. در سالروز قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، درحالی که عمیق تر شدن بحران سیاسی در ایران، چشم انداز یک انقلاب نوین را در برابر همگان قرارداد داده است، باید بیش از همیشه بر این نکته تاکید نمود که سرنوشت انقلاب آتی ایران وابسته به این است که قدرت سیاسی در دست کدام طبقه قرار خواهد گرفت. پیروزی یک چنین انقلابی تنها و تنها منوط به کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و اعمال حاکمیت توده های کارگر و زحمتکش از طریق شوراهاست. راه دیگری برای تحقق مطالبات توده های مردم ایران و نیازهای تحول اجتماعی وجود ندارد.

لایکستر بودند که بعد به اتحادیه های کارگری مردان پیوستند.

در ۱۸۸۶، مجموع اعضای انجمن های زنان از ۲۵۰۰ نیز کمتر بود. در طی همین دوره عضویت زنان در اتحادیه های نساجی پیوسته افزایش یافت و از ۱۵۰۰۰ نفر در سال ۱۸۷۶ به ۳۰۰۰۰ نفر در سال ۱۸۸۶ رسید و زنان با مردان در افزایش تصاعدی دستمزدها سهیم شدند. (Drake - ص ۲۲)

این شکست، اما پترسون را برآن داشت که در سال ۱۸۸۰ چرخش ۱۸۰ درجه ای کند و در جستجوی همکاری با اتحادیه مردان برآمد. موضوع دیگری که موجب این چرخش محسوس، از سوی اتحادیه و پترسون گردید، مسئله قانون حمایتی محدودیت ساعات کار روزانه برای زنان و کودکان بود. قانون حمایتی از پیشتیبانی بسیاری از مردان کارگر برخوردار بود و جنبش اتحادیه ای عموماً در سال های ۱۸۷۰ برای آن مبارزه می کرد. زیرا مردان بر این عقیده بودند که تغییرات حاصله به نفعشان خواهد بود. آنها امیدوار بودند که این محدودیتها، استخدام زنان را مشکل تر خواهد ساخت. در نتیجه مردان لزومی به رقابت با زنان بر سر شغل نخواهند داشت. این امر تحقق نیافت. در واقع بعد از معمول شدن اولین قانون محدودیت کار روزانه برای زنان و دختران در رشته صنعت نساجی در ۱۸۴۷، درصد زنان و دختران بالای ۱۳ سال در صنایع از ۵۵/۹ به ۵۷ در صد افزایش یافت در حالی که درصد اشتغال مردان از ۲۶/۵ به ۲۵/۸ در صد کاهش یافت (هاتچسن و هاریسن - تاریخچه قانون گذاری کارخانه - ۱۹۶۶ - ص ۱۱۰) در عوض، قانون حمایتی باعث کاهش ساعات کار روزانه برای مردان نیز گردید. همانطور که توماس آستن، دبیر انجمن نخ ریشان اولدهام به شکلی مبهم مطرح کرد، "مبارزه برای کاهش ساعات کار بزرگ- سالان در کل از قبل شلیته های زنان انجام گرفت!". (همانجا - ص ۱۸۶) طرفداران فمینیست های طبقه متوسط در اتحادیه زنان، با این توجیه با قانون حمایتی مخالفت کردند که آن را تبعیض علیه زنان می دانستند. معهداً موضع اتحادیه، به گرمی از سوی زنان شاغل، مورد حمایت قرار گرفت. (Drake - ص ۲۱)

* قسمت بعدی تحت عنوان "اتحادیه - گرای نوین" خواهد بود که به تاسیس اتحادیه ها می پردازد.

یک ساختار رسمی برای ظهور اتحادیه - هایی که در حال ظاهر شدن بودند، به وجود آمد، این مردان کارگر ماهر بودند که خود را متشکل نمودند و کارگران غیر ماهر، منجمله زنان را پشت سر گذاردند. تنها استثناء، اتحادیه نساجی لانکاشایر بود که نه تنها تلاش های جدی و موفق آمیزی را برای سازماندهی و فعال نمودن زنان مبذول داشت، بلکه همچنین بر سر نرخ دستمزد "برحسب نرخ کار" و نه نرخ تعیین شده برحسب جنسیت کارگری که که کار را انجام می دهد، مذاکره داشت. (س-یستن - زنان کارگر و اتحادیه های کارگری - لندن ۱۹۸۰ - ص ۲۳)

این واقعیت نیز که سواي صنایع نساجی، زنان در کارگاههای بسیار کوچک نظیر کارگاهها یا در خانه ها نوار دوزی، در کارگاهها کوزه گری و امثالهم که متشکل شدن در آنها دشوار بود، پراکنده بودند، به کناره نهادن آنها کمک نمود.

اما پترسون (۸۶-۱۸۴۸) سازماندهی، آن دسته از زنانی را که توسط اتحادیه تغذیه نمی شدند، آغاز کرد. او دختر یک معلم بود و با یک کابینت ساز ازدواج کرد. در سال ۱۸۷۴، اتحادیه حفاظتی و تامینی زنان را بنیان گذارد که دبیر افتخاری آن بود. این اتحادیه، ائتلافی از زنان کارگر و بیکار بود که به مسائل و مشکلات زنان کارگر می پرداخت. نام "اتحادیه کارگری" از آنرو عامدا رد شد که مخالفت آن با حامیان طبقه متوسط نشان داده شود. این اتحادیه نسبت به انتصاب هر گونه نظر ستیزه جویانه در مورد کار- فرمایان زنان کارگر حساس بود. اعتصاب به عنوان اقدامی نسنجیده و اشتباه تقبیح می شد و از وساطت و داوری دفاع می شد. در حالی که تجربه زنان بورژوا در "کمک" به زنان کارگر برای سازماندهی، محصول منقسم سازی بر مبنای جنسیت در طبقه کارگر بود، خود آن، دلیل دیگری برای پراکندگی محسوب می شد و به بسیاری از مردان طبقه کارگر توجیه خوبی برای نظرات ارتجاعی در مورد حق کار و حق رای داد.

هدف اتحادیه پترسون، تاسیس اتحادیه کارگری مختص زنان بود، هرچند که دست آوردهایش بسیار ناچیز بودند. بین ۱۸۷۴ و ۱۸۸۶ اتحادیه بین ۳۰ تا ۴۰ انجمن زنان را در انگلستان و اسکاتلند تاسیس کرد. تنها برخی از آنها بیش از چند صد عضو داشتند و چندین سال دوام آوردند. حدود نیمی از آنها در ظرف یک سال از میان رفتند. موفقترین نمونه، بافندگان Dewsbury, Wollen و بخیه دوزان

مبارزه طبقاتی و رهایی زن (۳۶)

از این شماره فصل ۷ از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زن که به جنبش زنان در انگلستان اختصاص دارد، آغاز می‌شود. بخش اول آن به بررسی وضعیت زنان کارگرانگلیس در نیمه قرن ۱۹ اختصاص دارد.

جنبش زنان در انگلستان

در انگلستان آن مرزبندی شدیدی که بین زنان کارگر و بورژوا فمینیست‌ها در آلمان و روسیه شکل گرفت، وجود نداشت. این امر چند دلیل داشت: اولاً- هم‌درآلمان و هم‌در روسیه، این احزاب سوسیالیست بودند که اتحادیه‌های کارگری را ایجاد کردند. در حالی که در انگلستان، اتحادیه‌های کارگری حزب کارگر را تاسیس کردند. در این اتحادیه‌ها، به استثنای صنایع نساجی، برای مدت مدیدی به روی زنان بسته بود. ثانیاً، جنبش سیاسی طبقه کارگردرانگلستان فوق العاده مغشوش و محافظه‌کار بود. رهبران آن، ایده‌های التقاطی لیبرالی و محافظه‌کارانه داشتند که با سندیکالیسم تنگ‌نظرانه درهم آمیخته بود. "مارکسیست‌ها" عمدتاً در فدراسیون سوسیال دمکرات (SDF) سکناریست، متشکل شده بودند که بعضی‌از رهبران‌ش به غایت‌ضد فمینیست وحتانژادپرست بودند. سوسیالیست‌هایی که طرفدار فمینیسم بودند، عمدتاً در حزب مستقل کار (ILP) که یک حزب مغشوش بود، متشکل شده بودند که در پی همکاری طبقه کارگر با لیبرال‌ها و جدی‌تر از آن، با زنان لیبرال بودند. آن‌جا که زنان کارگر، شانه به شانه زنان بورژوا می‌سایند، واضح است که چه کسی، دیگری را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

زنان کارگر در نیمه اول قرن ۱۹

در ربع اول قرن ۱۹، زنان در جنبش غیر قانونی اتحادیه‌ای شرکت کردند ودر کار زارهایی که برای‌الغاء قانون تقسیم‌بندی، انجام گرفت، فعال بودند. تبلیغ برای فرم که در دوران انقلاب فرانسه آغاز

شد و بعد از پایان جنگ‌های ناپلئونی احیاء گردید، در برخی مناطق صنعتی، خصوصاًدرمیان کارگران‌نساجی لانکاشایر، خصلت توده‌ای به خود گرفت.

جنبش دربرگیرنده زنان زیادی بود که با کمیته‌ها و دفاتر خود، اتحادیه‌های سیاسی زنان را تشکیل داده بودند. به طورمثال درتظاهرات معروف برای فرم پارلمانی در سن پترزفیلد منچستر، در ۱۶ اوت ۱۸۱۹ تعداد زیادی از زنان شرکت داشتند. (تامپسون - زنان و سیاست رادیکال قرن ۱۹، یک جنبه گمشده - ص ۱۱۶)

هنگامی که در تابستان ۱۸۳۴، رابرت اوئن اتحادیه بزرگ خود را که چندان دوام نیاورد، بنیان‌گذار ودر این اتحادیه عمومی به روی همگان، صرف‌نظر از صنف، حرفه و جنسیت گشوده بود، دهها هزار زن به آن پیوستند. متأسفانه این اتحادیه حدود ۵ سال بعد، از هم پاشید.

زنان همچنین در فاصله سال‌های ۴۸-۱۸۳۷ در جنبش سیاسی طبقه کارگر که جنبش چارتریستی بود، نقش برجسته‌ای ایفا کردند. آنها تعدادی انجمن‌های چارتریست زنان را تشکیل دادند ودر هر سه کارزار منشور فعال بودند. در بزرگ‌ترین متینگ توده‌ای جنبش، در سال ۱۸۴۲ در بیرمنگام، حدود ۵۰۰۰ زن در کناردهها هزار مرد شرکت داشتند.

(همان جا - صفحه ۱۲۴) اما این فصل کوتاهی‌درتاریخ بود که در پی آن یک دوره طولانی‌ارتجاع فرارسید. Doorothy Thompason در مقاله عالی اش تحت عنوان "زنان و رادیکالیسم سیاسی قرن ۱۹، یک بعد گمشده"، می‌نویسد: "دست آوردهای دوره چارتریست‌ها، در زمینه آگاهی و اعتماد به نفس، پیشروی به سوی برابری بیشتر بین زن و مرد و فعالیت‌های مشترک سیاسی توسط زنان و مردان، در سال‌های قبل از اواسط قرن ۱۹ از دست رفتند. . . یکی از دستاوردهای از دست رفته این روند در دوران ویکتوریایی، پتانسیل مشارکت زنان طبقه کارگر در سیاست وجامعه بود." (همان‌جا - صفحه ۱۳۸)

هنگامی که در اواخر ۱۸۴۰ و اوائل ۱۸۵۰،

صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian - minority.org

KAR

Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 423 feb 2004